

رسول پویان

عُقده و کین

گر عُقده بشر به حسادت دوا شود
صد عُقده و تضاد دگر نیز وا شود
در انتقام و کینه نیایی رهایی
بغض کفیده آتش خشم و وغا شود
از فرط کینه قوم برآرد دمار قوم
این قصه از یهود و عرب بارها شود
رحم و حیا نبوده مگر در دل یزید
آن گونه قتل و کینه که در کربلا شود
از بهر حب قدرت و مال و منال نیز
قتل پدر به دست پسر برملا شود
با انتقام و کینه و جنگ برادران
چشم برادر از عقب سر جدا شود
با کینه و تعصب آل سعود باز
بار دیگر مقاتله در نینوا شود
جشن و سرور و زمزمه دلنواز ساز
از فرط جهل و عقده و کین ناروا شود
با کین طالبی و ز افراط داعشی
رسم نشاط و خنده برافتد، عزا شود
با کینه و تعصب و افکار طالبی
فرخنده زنده زنده در آتش فنا شود
گر آتش تجاوز و افراط سوخت شرق
جسم لطیف غرب بدان مبتلا شود
ما گر فقیر و در بدر و زار گشته ایم
روزی همین بلا به سر اغنیا شود
ظلم و ستم ز حد اگر بگذرد یقین

توفان در طبیعت و قهر خدا شود

در شهر عشق زنده دلان با صفای دل

بیگانه چون رفیق به هم آشنا شود

2015/12/28